روایت ساعد سهیلی از بازی در فیلم «رخ دیوانه»: **آدمهای نقشهایم رامی شناسم**

فرنوش ارسخانی| ساعد سهیلی، پسر ، هیلی - کارگردان و فیلمنامهنویس - یکی از بازیگران جوان فیلمهای اخیر سینمای ایران است که به خاطر شیوه بازیاش ازجمله بازیگران جوان موفق و آینده دار سینما به حساب می آید. او از سال ۸۰، یعنی از ۱۴سالگی بازیگری را با فیلم اشب برهنه و باحضور در فیلم پدرش تجربه ر در سال ها بعد با بازی در فیلم «گشت ارشاد». کود و سال ها بعد با بازی در فیلم «گشت ارشاد». توانست به جایگاه متناسبهی در سینما دست پیُدا کند. این بازیگر جــوان که چنُدی پیش فیلم تحسینشده «چند مترمکعب عشق» را روی پرده سینماها داشت و سال گذشته نیز به خاطر بازی در این فیلم توانست در میان اسامی نامزدهای بهترین بازیگر مرد قرار بگیرد، امسال با فیلم «رخ دیوانه، ابوالحسـن داوودی در جشـنواره حضور دارد؛ با نقشـی متفاوت که شـاید یکـی از نکات حایزاهمیت فیلم، حضور و نحوه بازی او در آن

شــما از نوجوانی بازیگری را شــروع کردید. حضور تــان در این عرصــه خود خواســته بو یا ترجیحا بــه این خاطر که پدر تان در ســین فعالیت می کرد، در این عرصه ظاهر شدید؟ من از کودکی بهواسطه حرفه پدرم با سینما آشینا شده و حضورم در کارهای او باعث شد که به تدریج به این حرفه علاقه بیشتری نیز پیدا کنم. اما یکی از نکات مهم این است که من از ابتدا حتی قبل از این که بازیگر شوم، به حرفه پدرم علاقهمند بودم، گاهیی پیش می آید که پسران به حرفه پدران خود علاقهمند می شیوند مثلا اگر پدری پ برا باشد، پسر کنار او میایستد تا کار یاد بگیرد و بتواند در آن حرفه فعالیت کند. ایس اتفاق در ر بیوست دیگر نیز خصوصا عرصه هنر و ورزش بیشتر اتفاق میافتد. برای همیت من هم از این راه به شغل پدرم علاقهمند شدم، اما با این حال شاخههای مختلفی را در عرصه هنر تجربه کردم، حتی دوره نویسندگی و فیلمسازی گذراندهام و چند فیلم کوتاه نیز ساختم. اما چون به بازیگری علاقه بیشتری داشتم، خیلی پیگیر آنها نشدم... شایداگر سعید سهیلی در سینما به فعالیت نمی پرداخت، شـما هم بهراحتی وارد حرفه

بازیگری نمی شدید. در عین حال با این که مشورت پدرم انتخاب می کنم. فارغ از نقشهایی کـه در فیلمهای پدر تان ر کارھای پدر تان حف کردهاید، اما بعد از بازی در «گشت ارشّاد» بــازی کردیــد، معیار تــان بــرای حضــور در فیلمهایــی مثل «متروپــل»، «چند متر مکعب شناخته تر شدید و توانستند در فیلههای دیگری نیز به غیر از فیلمهای پدر تان حضور پیدا کنید. از چه زمانی به بعد احساس کردید عشق» و... چه بود؟ پ سایه پدر تان بیسرون بیایید

> . از دوران نوجوانسي - كمه فقسط تئاتسر كار می کردم - سعی کردم برای پروژههای مختلفی ت دهم و بعضا نقش کوتاه برخی فیلمها را نیز

به عنوان یک بازیگر مستقل شناخته شوید؟

می کنم؛ فیلمنامه هایی که شک دارم خوب هستند یا به خط فکری ام نزدیک نیستند را رد می کنم و

برد.... ب وقتی پدر تان کارگـردان بود، چرا این کار را انجام میدادید؟! در را انجام می دادید ؟! چون می خواستم هر طور شده خودم را به پدرم اثبات کنم تا از او نقس بگیسرم و در فیلمهایش حضور پیدا کنم، بالطبع اگر نظس او را جلب و در فیلمهایش بازی می کردم می توانستم شروع محکمی هم داشت باشم. اگر چه الان حدود دو، سه سال است که دیگر خودم نقشهایم را انتخاب

سسی و سی بود. خیلی از مسائل در انتخاب نقش هایم مهم هستند؛ از فیلمنامه، کارگردان و فیلمبردار گرفته تا نقشی که قرار است آن را بازی کنم. حتی حرف دل و دغدغه کارگردان هم برایم خیلی مهم اس ت ندارم با کار گردانی کار کنم که ادای فیلمساز دیگری را دربیاورد و دغدغهاش واقعی نباشد. «رخ دیوانه» یکی از فیلمهای داستانگوی

نواره امسال است که شخصیت پردازی مضور تان در این فیلم چگونه شکل گرفت و انگیزه تان از بازی در نقش مسعود چه بود؟ یکی از افتخارات بزرگی که امسال نصیبم شد، یعی را عدارت برراحی تا استان علیه است همکاری با ابوالحسن داوودی، کارگردان این فیلم بود. ایت فیلم فضایی دارد که مشابه آن کمتر در ينما ســاخته شده است. خوشــحالم که ماحصل " این فیلم، تجربــه خوبی از آبُ درآمــد و اتفاقی که

شاى اين فيلمَ، رضَايتُ خُاطر داشتنا

فيلم حضور داشتند.

این فیلم درحالی برگزار شــد که خیلــی زود بهخاطر ی ۱۰ ر کر نمایش «کوچـه بی نام» پایان یافت. در این نشسـت به غیر از جمشید هاشم,پور و سعید آقاخانی اکثر بازیگران

. اما فیلم دیگری که در سسانس ۱۹ و با اند کی تأخ

به نمایش در آمد، اکوچه بی نام محمدهاتف علیمردانی بود. این اثر دومین فیلم در این روز بود که با استقبال مخاطبان و همچنین منتقدان مواجه شد. علیمردانی

نیز در نشست خبری این فیلم با اشاره به صحبت های کیوان کثیریان (منتقد نشست) مبنی بر ضعیف بودن

فيلم قبلي أو بيان كرد: اهنوز هم معتقدم امردن

به وقت شهریور» یک فیلم مردمی و سالم است و جوابش را از مخاطب می گیرد. وقتی فیلمی څوب از

ایش بهوجود آمد مطابق تصورم بود. فضای این فیلم نیز مشل کارهای قبلی تان از تــم اجتماعی برخوردار اســت. دغدغه تان بازی در فیلمهای اجتماعی است؟

نه، اصلا برایم فرقی نمی کند که در چه ژانری بازی می کنم چون مهم ترین مسأله برایم این است که فیلم به عقیده و فکرم نزدیک باشد. البته به دغدغه ام در زمانهای مختلف نیز بستگی دارد؛ شاید امروز یک فکر و ذهنیتی داشته باشم و فردا یک چیز دیگر. بنابراین همهچیز بستگی به زمان ــتم که یکجا را ببینم و به س بروم. مــن از کارم خیلــی لذت می.بــرم و به نظرم بروم. مس را دارم عیشی نات سی...رم و به سرم هیچچیز لذتبخش تر از این نیاست که سر صحنه و در تک تک پلانها حضور پیدا کنم. باتوجه به این که مابهازای بیرونی شخصیت

این فیلم، ویژگی ها و جذابیت هایسی دارد که با هر تصمیم و حرکتش مسیر داستان و شخصیتهای فیلیم را تحت تأثیر قیرار می دهد. از ایسن رو مخاطب در هسر اپیزود نتظر تصمیمهای اوست. خودتان برای

در آمدن این نقش چقدر تلاش کردید؟ آدمهایی کــه در اطرافم حضور دارند، همیشــ سهم بسـزایی در بهتر در آمدن نقشهایم دارند. بنابراین اغلب اوقــات نقشهایی را انتخاب می کنم که از آنهـا شــناخت دارم و در اطرافم نیز بیشــتر حضور دارند. آدمهایی مثل مسعود هم دور و برم زیاد بودند و حتی با آنها بزرگ شدهام.

این فیلم فضای تین ایجری دار د که متناس با ایسن ویژگیی، بازیگسران جوانی نیسز در آن حضور دارند و تقريبا با يكديگر همسن وسال مستند. فکـر می کنید ایـن مس بهموفقیت فیلم کمک کرده است؟

بهزیگران این قیلم، بازیگران جوان و با انگیزه ای بودنند کـه هریـک تاشرهـمای بسیـاری بـرای نزدیکشـدن به نقششـان کردنـد. از طرفی هم نزدیکبودن سـن بازیگران این کار کمک می کرد تاً بی وقفه برای اجرایی که می توانستیم از پس آن بربیاییم، تلاش کنیم.

کار درنمی آید، کارگردان باید مسئولیتش را بپذیرد. بنابراین اگر این فیلم در اکران موفق نبود، آن وقت

به برین عربی عید است اور سرای مولی بسود. در فیلم است که من می پذیرم فیلم خوبی نساختهام. در فیلم اکوچه بی نام! نیز همه عوامل دست به دست هم دادند که این فیلم ساخته شود. البته هنوز هم کار ضعفهایی

دارد کـه بهخاطر بی تجربگیهای من اسـت. سـع

کردهام شخصیتها را براساس مابهازاهای بیرونیشان

تصُوير ٰکنم، چون شـايد فرق بين يک فيلم خوب و بد،

به خاطر انتقال بار دراماتیک شخصیتها به مخاطب

بسد و بدرش من در این قیاسم نیز آنین سود که همه شخصیتهای واقعی قیلم را پیدا کنم تا بازیگران با آنها آشنا شده و ارتباط برقرار کنند، اگر این فیلم اثر خوبی از کار در آمده، بهخاطر بازی خوب بازیگرانی است که کاری در موداند و همچنین کمکهای قراوان محمود کلاری،

۱ – ایسن بازی معلوم نیسست چــه زمانی قرار اســت تمام شــود. انگار تــا مادامی که

عليرضا رضاداد عنان و افسار جشنواره را رر ر در دست داشــته باشد باید این بازی اعصاب خرد کــن را تحمل کرد. یک بــازی بیحال

و فرسایشی که گویی فقط خود رضاداد با آن حال می کند. در هـ ر دورهای که او دبیر بوده این بازی فرسایشی بـرای یک فیلم اتفاق افتـاده و او به وسـیله آن فیلم با مغز

و اعصاب مخاطبان جشنواره بازی کرده.

. روی آن وُجـود دارد، فیلمهایی که اتفاقا به

شکل رسمی در جشنواره حضور دارند، اما بهدلیل سیاستهای محافظه کارانه آقای

بىر، ھىچوقت زمان اكران آنھا مشخص

نمی شود، به نحوی که برای جذاب شدن بازی، شایعه عدم اکران آن هم از همان

روزهای اول در جشـنواره دهان به دهان میشـود تا این بازی فرسایشـی جذاب تر

هم شود. در این مدت دبیسر و دیگر ارکان

م جشنواره در قبال تاریخ دقیق اکران فیلم موردنظر و شایعات عدماکران فیلم

سیاست سکوت را در پیش می گیرند و وقتی سیاست سدوت را در پیس سی بیر ر ر ر شایعات به نقطه اوج خود رسید و همه به این جمع بندی رسیدند که فیلم موردنظر

در جشنواره اکران نخواهد شد، آقای دبیر وارد ماجرا میشود و بدون هیچ اطلاع قبلی،

آن فیلے مرا روانے اکران می کنے و مع م . ی غافلگیر می کند تا برندہ دو سے این بازی شود. او با این کار از یک طرف فیلم را اکران

سود، و با ین دار از یک طرف فیلم را آگران کرده تا حرف و حدیثی باقی نماند و از طرف دیگر با اکسران بدون اطلاع قبلی موجبات این را فراهسم می کند تا خیلی هما موفق به تماشای آن اثر نشوند تا حاشیههایش کمتر شود. سال ۸۵ و در جشنواره بیستوپنجم

این ماجرا برای «سُنتوری» مهرجویی افتاد و به یکباره فیلم بهجای یک فیلم دیگر در

گذشته و در جشنواره سیودوم این سناریو

برای فیلم «عصبانی نیستم» افتاد. همه

ساعت ۱۰ وارد سالن شــده بودند تا «طبقه حســاس» کمال تبریــزی را ببینند و حتی

مجری مراسم معرفی فیلم هم منتظر عوامل این فیلم بود، اما یکباره به او اعلام کردند

که به حاضران در سالن اطلاع دهد که الان در این ساعت فیلم «عصبانی نیستم» اکران

در این سد. خواهد شد، فیلمی که قرار بود همان روز در سانس ساعت ۴ نمایش داده شود. رضاداد

امسال این بازی را با فیلم مجید مجیدی

سینمای ایسران سابقه پرداختین به شخصیتهایی را که درگیر آسیبهای

اجتماعی و رنجهای ناشی از آن هستند، دارد

، می را رای در سینماگران بعضا به در سینماگران بعضا به در سینماگران بعضا پرداختهاند. در «نزدیکتر»

اما سعی کرده ام به شخصیتی بپردازم که خود را از دام ایس گرفتاری رهانیده؛ او با

اصلاح خود گام در مسیری دشوار می گذارد تا نگاه اطرافیان را نیز تغییر دهد. این تغییر

گاه یحتمل می تواند روی نوع زندگی و

نگرش خود اطرافیان نسبت به پیرامونشان هم تأثیر بگــذارد. هرچند قهرمان داســتان

ينما فلسطين نمايش داده شد. سال

حالا ماجــرای این بــازی چیس خیلی ساده است، در هر دوره فیلمی در جشنواره حاضر است که حساسیتهایی

آقاى رضادادبازي راتمام كنيد

شــروع كرده. بعد از لغو اكران فيلم «محمد رسول الله (ص)، در مراسم افتتاحیه و بروز این شایعه که ممکن است به دلیل وجود اکران نشـود، دبیر جشـنواره تا همین روز جمعه که جشنواره وارد نیمه دوم خود شده بود، به شکل رسَمی در اینباره اظهارنظر نکرد و دوباره با همین سکوت بازار شایعهها

بادداشت منتقد

را داغ نگه داشت. ۔ ۲- جلــوی کانتــر ورودی مرکــز همایشهای برج میلاد یا همان کاخ کذایی ۔ " کی ہے۔' جشــنوارہ، از صبح اول وقــت یعنی همان شروع سانس اول یا بعد از آن، انواع و اقسام ویژهنامه هـا دیده میشـود. ویژهنامه هایی ریر که روزنامهها و سایتهای مختلف ناشر آن هستند. اتفاقا تعداد قابل توجهی از این ر به مستند ویژونامهها اختصــاص دارد به روزنامههای جریان منتقد کــه قاعدتا بخش عمدهای از مطالب آنها در نقد سیاســتها و فیلمهای جشنواره اســت. اما در این میان خبری از نشــریه روزانه جشنواره نیـ ت. نشریهای که میبایست بهنوعی با پوشـش درست اتفاقات پاسخگوی جریان منتقد باشد. اما انفاقات پاسخوی جریان منتقد باشد. اما تا شب هیچ خبری از این نشسریه نیست که نیست و درست زمانی که جشنواره از تک و تا افتاده سروکله آن پیدا می شود یعنی نوشدارو بعد از مرگ سپهراب. الان دیگر برخلاف سالهای گذشته در دست مخاطبان برج نشريات ديگر ديده مُىشود

معصین .رب تا نشریه روزانه. ۳- اواخر دهه ۷۰ که تــازه وارد مطبوعات ۱۰ حشنهاره شور و شوق شده بودم، عجیب برای جشنواره شور و شوق داشتم، رسيدن به لحظه شروع جشنواره دقيقا برايم مثل لحظات سال تحويل بود و روزهای جشنواره هم مثل نیوروز، هر روز کسه از آن کم می شده غمگین تر می شده و بعدازظهر آخریس روز هم دقیقا حس و حالم مثل عصر سیزدهبدر بود. ای کاش هنوز هم این حس و حال را داشتم. آن ســالها و پیـش از تبعیــد جشــنواره به بــرج میلاد وُ نَمَايِـشُ فيلمها در ســالُنُ غيراســُتاندار، مركــز همايشهــا، آيين جشــنواره براى ه اصحابرسانه در سالنهای سینما اتفاق میافتاد، به همین دلیل جشنواره رنگوبوی سالنهای سینما را داشت. اما اینجا دیگر سالن سینمانیست که رنگ و بو داشته باشد. یک سالن غول پیکر است که مزین شده به یک پردہ نمایش، همین. این فاجعہ کوچکی ر ت ما الان ۵ سالی اس حس و حال را از جشنوار مفجر گرفته ایم. این ماحصـل دوران زمامداری جواد شـمقدری و همکارانش اسـت کـه حالا حالاهـا انگار گریبانمان را چسبیده و رها نمی کند و مسئولان جدید هم جسارت عوض کردن این مسبر اندارند

ششمين روز از جشنواره

درخشش «من دیه گو مارادوناهستم» و «کوچه بی نام»

ششمین روز از جشنواره فیلم فجر در برج میلاد، اندکــی با تأخیر شــروع شــد. ایــن روز هــم مطابق روزهای گذشــته شــاهد حوادث و اتفاقاتــی جالب و ررر ک پررنگ تر از متن بود که اصرار طــراح گریم فیلم «من دیه گو مارادونا هســتم» برای گرفتن عکس ســلفی و اعتــراُضُ بازیگر فیلم «ماهی ســیاه کوچولو» بر وجود تشــویقهای اعتراضــی در جشــنوارههای فیلم فجر

شد. حجت الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی برای دومین بار در طی برگزاری جشنواره فیلیم فجر و در ششمین (وز این اتفاق در برج میلاد حضور پیدا کرد تا

کمیل سوهانی و «اُزادراه» ساخته مح تمین سومانی و ۱۱راتراه ساخته محسن خارجهانی به دیدن فیلم ۱ماهی سیاه کوچولو، به کارگردانی مجید مصطفی زمانی، بازیگر که در فیلم «ماهی سیاه کوچولو» مصطفی زمانی بازیر دادر فیلم اماهی سیاه وچونو، نیز حضور داشت، در واکنش به تشویق های اعتراض اهالی رسانه منتقدان و هنرمندان حاضر در سالن سینمایی برج میلاد هنگام تماشای این فیلم گفت: «در خلال اکران فیلم بارها شاهد تشویق همکاراتم و

میم بر در پیش و سستی بسیر به در سستی اما فیلم دیگری کسه در این روز بسه نمایش در آمد، «من دیه گو مارادونا هستم» اثر متفاوت دیگری از بهرام توکلی بود. این فیلم با استقبال بسسیاری از مخاطبان

خبرنگاران بودم و این درحالی است که شأن جشنواره فیلم فجر از چنین واکنشهایی بسیار بالاتر است.»

سطوری های معارضی در جسمی در بر برخلاف مشابه های بین المللی آن توسط اهالی رسانه و منتقدان از مهم ترین این موضوعات بود. اولین سانس نمایش، به مستند «آزادراه» اختصاص

ر داشــــت. این مســـتند یکی از آثار موفق جُشــنواره در این بخش بود که با اســـتقبال حجـــتالله ایوبی مواجه

آخرينوضع نمايش«محمدرسولالله»

رئیس سازمان سینمایی که در طول برگزاری جشنواره فیلم فجر در يين روز از جشنواره براى دومين باربه كاخ جشنواره فيلم فجر آمده بُود تادر سانس اول نمایش های مستنددر کاخ جشنوار ه فیلم فجر حضور داشته ر می در این کرده این درباره نمایش آثار مستند در سالن اصلی برجمیلاد ظهار کرد: «اتفاق خوبی در این دوره رخ داد اما باید تا پایان جشنواره صبر کنیمودقیق تراین موضوع رابررسی کنیمه ایوبی پس از دیدن فیلممستند اآزادراه این فیلم را کاری جذاب با تحقیقات خوب عنوان کرد. او همچنین درباره آخرین وضع نمایش محمد رسسول الله؛ ساخته مجید مجیدی «ر جشنواره فیلم فحر گفت: «نمایش این فیلم طبی هفته جاری قطعی استاما این که این نمایش در برج میلاد باشد یا نه هنوز مشخص نیست،

بهروز افخمى ومرجان شير محمدى درحال پيگيرى اخبار جشنواره

نتايج آراى مردمى در ششمين روز جشنواره «رخدیوانه»همچنان درصدر

در ششـمین روز از آرای مردمـی فیلمهـای «رخ دیوانــه»، «عصــر یخبندان» و «کوچــه بینام» رتبههای اول تا ســوم را به خود اختصاص دادهاند. طبق اعلام ستاد آرای مردمی جشنواره فيلُم فجر با شمارش ۴۹ هـزار و ۱۴۴ برگ رأی تماشاگراُن ــم جشـــنواره به ترتیــب فیلمهــای «رخ دیوانه» به رور سسم جسوره به ترسیب چنبوشه یک کار گروزان پواکست را در این کار کار در این مصطفی کیایی با مبانگین امتیاز «عصر پخیندان به کار گرونانی مصطفی کیایی با مبانگین امتیاز ۱۳ کار و فیلم دکوچه بی نام به کار گردانسی هانف علیمردانی با مبانگین استیز ۲ ۲ ۱۳ این تاریخ به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص دادهاند.

سانس فوقالعاده «ایران برگر» در سینما کوروش

... ۱۰ ... در کرد کرد کرد. بهمن ماه و در ششمین روز از برگزاری سی وسومین جشنواره فیلم فجر در مجتمع سینمایی کوروش به دو سانس فوق العاده رسید. ایران برگر اپیش سالن "فارُوسْ" داشت اما به دلیل تقاضای ساکنان غرب تهران مسئولانُ جشنواره دو سانس فوق العاده برای نمایش «ایران برگر» گذاشتند پیش از این فیلمهای عصر یخبندان، اخانه دختره، امن دیه گو مارادونا هستم، ین بینهایدی. سریت بستان. و «اعترافات ذهن خطر ناک من« نیز به دلیل در خواســـت مردم در پردیس کوروش در شبهای گذشته به سانس فوق العاده رسیده بود.

فیلم اایران پر گر ایه کار گردانی مسعود جعفری جوزانی شامگاه جمعه ۱۷

جشنواره از نگاه دوربین



منصور ضابطيان وعكاسى از گلاب آدينه وصابرابر



داستانی گیرا تعریف کند. ی "ر ر" -بسـیار امیدوارم تماشــاگر در لایــه زیرین داستان این فیلم با در ک این شخصیت یی به داستان این فیلم بادر ک این شخصیت پی به در و او اراده و از خود گذشتگی و سعیاش در آشتی جویی را تحسین کند. او کسی است که برخارف اطرافیاتش دست از پنهانکاری برداشت. مسئولیت مشکلاتش را پههانخاری بردانسته مستونیت مسخار نس را خود به گردن می گیرد و از مواجهه با حقیقت نمی هراسد. او می داند در مسیر بهبودی راهی دشوار پیشرو دارد اما با پذیرش همه خطرات در این راه قدم می گذارد تا جبران گذشته را بکند. قدم نهم از گامهای دوازده گانه به سوی بهبودی در «انجمن معتادان گمنام» (NA) چنین است: «... بهطور مستقیم در هر جا که امکان داشت از افرادی که به هر شکل به آنها زیان رساندهام، جبران خسارت کردم. مگر مواردی که انجام آن زیان مجددی به ایشان

یک از افراد آن قصه خمود را دارند، در قالب



«پیروزیاراده»

مصطفىاحمدى